

عوامل بی ثباتی و جنگ را چگونه می توان کاهش داد؟ محمد اکرام اندیشمند

عوامل خارجی و داخلی بی ثباتی و جنگ در افغانستان طی چهل و یکسال از آغاز این بی ثباتی و جنگ تا اکنون (1395 - 1354) نه تنها از میان نرفته و حتی کاهش نیافته، بلکه بر عکس افزایش و گسترش داشته است:

1- اختلاف و خصومت با پاکستان پس از این چهل و یکسال بی ثباتی و جنگی که پاکستان به عنوان عامل بسیار مهم و تاثیرگذار خارجی نقش دارد، هم چنان باقی است و نقش پاکستان در تداوم این بی ثباتی و جنگ هم چنان بسیار مهم و متباز به نظر می رسد.

2- دخالت منطقه ای و بین المللی در جنگ افغانستان که یکی از عوامل جنگ شمرده می شود در تمام سال های بی ثباتی و جنگ، افزون تر، گسترده تر و عمیق تر شده است. در دهه هشتاد میلادی سده بیستم تنها نیروی نظامی شوروی در افغانستان درگیر جنگ بود، اما ده سال بعد در دهه آغاز سده بیست و یکم و تا حالا، نیروهای 45 کشور دنیا به رهبری ایالات متحده آمریکا وارد جنگ افغانستان شدند.

3- وابستگی و درماندگی دولت های افغانستان به کمک های نظامی و مالی کشورهای خارجی طی این چهار دهه جنگ که پیوسته توان و ظرفیت دولت را در کاهش بی ثباتی و مهار جنگ به تحلیل می برد، بیشتر و عمیق تر گردیده است. دولت و حکومت افغانستان بیشتر از هر زمان و بیشتر از هر دولت دیگر و در ادامه این چهل دهه بی ثباتی و جنگ، وابسته به کمک خارجیان است و با درماندگی در این وابستگی دست و پا می زند.

4- نا کارایی و فساد دولت که بدون تردید با بی ثباتی و جنگ رابطه و تاثیر متقابل دارد و همیشه به عنوان یکی از چالش ها و عوامل بی ثباتی و جنگ ارزیابی و شناخته می شود، قوس صعودی پیموده است. افغانستان پس از چهل و یکسال بی ثباتی و جنگ در میان سه کشوری دارای فاسد ترین دولت های جهان قرار دارد.

5- اگر وجود و ترویج فرهنگ ستیزه جویی و جنگ و تداوم این فرهنگ به خصوص در باورها و ذهنیت های اجتماعی و عمومی در افغانستان یکی از عوامل بی ثباتی و جنگ باشد، که است، این فرهنگ طی این چهل و یک سال بی ثباتی و جنگ بگونه شگفت آور در جامعه گسترده و نهادینه شده است. چهل سال پیش، مدارس دینی افغانستان و عالمان دینی و امامان مساجد، مبلغ برده باری و عفو، و واعظ همدلی و برادری در جامعه بودند و افکار و رفتار عقلایی منطبق با آموزه های امام ابوحنیفه و مذهب حنفی داشتند، اما طی این چهل و یکسال بی ثباتی و جنگ، جای مدارا و خرد گرایی مذهب امام ابوحنیفه را، خرد گریزی و خرد ستیزی نفرت پرور و تکفیر گرا گرفت و بسیاری از مدارس و مساجد به منبر آموزش و تبلیغ فرهنگ نفرت و خشونت تبدیل شدند.

6- جدایی و گسست اجتماعی در محورهای مختلف قومی، قبیله ای، زبانی، مذهبی، سیاسی و حتی محلی و خانوادگی طی چهل و یک سال بی ثباتی و جنگ، چه در میان جامعهٔ سیاسی و اهل سواد و تحصیل و چه در میان عوام و سطح عمومی جامعه بصورت فزاینده، گسترده و عمیق گردید. ما اکنون پس از چهل و یکسال بی ثباتی و جنگ بگونهٔ شگفت آور و بسیار نگران کننده این تفرقه و گسست را که با نفرت و خصومت توأم است، مشاهده می کنیم. به استثنای مجالس سرکاری و رسمی که در پایتخت و به ندرت در برخی ولایات، نمایش و تظاهری از شرکت گروه های مختلف قومی، مذهبی و زبانی را نشان می دهد، در هر جا و هر عرصهٔ دیگر، مرز تفرقه و گسست خود نمایی می کند:

در موسسات آموزشی و تحصیلی، در نهادهای مدنی و اجتماعی، در گردهم آیی و همایش های سیاسی و مذهبی، در تشکیل رسانه و شبکه های رسانه ای، در جغرافیای سکونت و زندگی پایتخت و

این همه عوامل را چگونه می توان برطرف کرد و کاهش داد؟ قبل از همه، نقش و وجیه دولت در کاهش و رفع این عوامل چیست؟ دولت و دولت مداران افغانستان چگونه و در چه زمانی قادر به انجام نقش و مسئولیت خود در این زمینه خواهند شد؟